

«بررسی تطبیقی تحول مفهوم مالکیت در حقوق خصوصی معاصر

(با تأکید بر دارایی‌های دیجیتال)»

چکیده:

امکان مبادله یک شیء یا مال، به منزله وجود مالکیت بر آن شیء است. با توجه به این موضوع، این مقاله به بررسی حقوق مالکیت در مورد دارایی‌های دیجیتال در حقوق ایران و بررسی تطبیقی در حقوق کامن لاو و حقوق موضوعه فراملی می‌پردازد. دیدگاه رایج در این مقاله رد می‌شود و جایگاه قانونی دارایی‌های دیجیتال را در حقوق داخلی با بررسی تطبیقی با حقوق سایر کشورها ارزیابی می‌کند. با تحلیل ماهیت ناملموس دارایی‌های دیجیتال، می‌توان گفت که دارایی‌های دیجیتال بیشتر شبیه به اعیان غیرمادی هستند و صف عین را در مفاهیم حقوقی توسعه می‌دهند و از حالت فیزیکی صرف در می‌آورد. با تکیه بر رویه‌های قضایی فراملی، مشخص شد که دارایی‌های دیجیتال در برخی کشورها به عنوان شیء به رسمیت شناخته شده‌اند. حقوق مالکیت در سیستم‌های حقوقی مختلف از حقوق عرفی (انگلستان و ولز، نیوزلند و سنگاپور) تا حقوق موضوعه (آلمان، فرانسه و ژاپن) بررسی شد. مفهوم دارایی دیجیتال به عنوان بخشی از ادعاهای قراردادی در دادگاه‌ها نیز بررسی شده و پیچیدگی استدلال مالیت آنها در هر رسیدگی مورد مذاقه قرار گرفت. در نهایت چارچوبی پیشنهاد می‌کند که با توجه به ماهیت فراملی دارایی‌های دیجیتال و مسائل مربوط به تعارض قوانین و مداخله بیش از یک حوزه قضایی در روند مبادله آنها، بتواند دارایی‌های دیجیتال و مالکیت داده‌ها را فراتر از قلمرو توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT) ها و منشأ استخراج توکن‌های قابل تعویض (رمزارها)، بتواند از حقوق دارندگان حمایت کند.

کلیدواژه‌ها: دارایی دیجیتال، مال، مالکیت، تصرف

مفهوم سستی مال و مالکیت، یعنی حقوق مالکیت، که در قرون نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم توسعه یافته، اکنون با تغییر فضا و رشد سریع واقعیت دیجیتالی، تحت تأثیر قرار گرفته است. دارایی‌های دیجیتال نه تنها اطراف ما را احاطه کرده‌اند، بلکه خودمان نیز بخشی از آن شده‌ایم. موجودی فیزیکی ما بستگی به محیط طبیعی پیرامونمان دارد و واقعیت دیجیتالی موجب نگرش وسیع ما به دنیای پیرامون با روشی ترکیبی از واقعیت و دیجیتال می‌شود. با توجه به اینکه انسان‌ها بخشی از رویدادهای پیرامون خود هستند، به سختی می‌توان این تحولات سریع را درک و به این پیشرفت‌ها واکنش نشان داد. مسأله فراتر از این نیز هست. تغییرات فضای پیرامون و دیجیتالی شدن بیانگر وابستگی جهان تعاملی که در آن زندگی می‌کنیم نیز هست و ارتباطات آن کاملاً مرزها را در نور دیده است. با این حال مقاومت‌هایی نیز برای مقابله با جهانی شدن مشاهده می‌شود. جهانی شدن، در کنار مزایای غیرقابل انکار آن، تهدیداتی نیز به همراه دارد. مثال اصلی آن، پاندمیک کرونا است که بیش از پیش دیجیتالی‌زده شدن را وارد امورات داخلی همه خانه‌ها در جهان کرد و حتی شیوه‌های درآمدزایی را نیز به کلی متحول نمود.

ظهور دارایی‌های دیجیتال، نشان‌دهنده گروه جدیدی از دارایی‌ها در چشم‌انداز رقومی بوده و به سرعت در حال تحول است. ماهیت ناملموس آنها، تعاریف مرسوم از دارایی و اصول مالکیت قانونی را به چالش می‌کشد و باعث بازبینی مجدد مفهوم و قوانین مالکیت در سراسر جهان شده است. درک وضعیت حقوقی دارایی‌های دیجیتال برای قانونگذاری مؤثر و بی نقص اهمیت ویژه دارد. در صورتی که ارزیابی دقیقی از مفهوم مالکیت در حقوق موضوعه با نگاهی فراملی انجام نشود، ممکن است مالیت بخشی به دارایی‌های دیجیتال در معرض سوء استفاده بازیگران مخرب قرار گرفته و در عین حال برای کاربران عادی نیز در عمل مشکلاتی ایجاد کند. در صورتی که قانون نتواند رمازرها را طبقه بندی و طبق کارکرد و ماهیت آنها مقررات اختصاصی ترتیب دهد، نمی‌تواند مانع سوء استفاده کاربران گردد. بدیهی است که هر آنچه تعاملات مالی افراد را متأثر کند، باید تابع قانون و قواعد حقوقی گردد. لیکن تنظیمات سستی فعلی، با عنایت به سرعت تغییر ماهیت تبادلات مالی جهانی و مشخصه فرامرزی در اکثر آنها و همچنین تمایز کارکرد برخی از این دارایی‌های دیجیتال، پاسخگو نخواهد بود و نیازمند بازنگری جدی در انتظارات حقوقی از مالیت داشتن و افزودن ویژگی‌هایی است که الزامات معاملاتی و انتفاعی دنیای امروز را برآورده می‌کنند.

مال در تعاریف سنتی به معنای چیزی است که دو ویژگی مفید بودن و برآوردن نیاز و در کنار آن قابلیت تخصیص به فرد، شخص یا گروه معین را داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۹). واژه مال با تحولاتی که ابزارهای قابل تملک و در عین حال برآورنده نیازها ایجاد شد، به اموال جدیدی تسری یافته که این توسعه، کماکان با تحولات نوین در عصر دیجیتال به پیش می‌رود. بنابراین ارزش اقتصادی، معیار مالیت داشتن و قابلیت تخصیص به شخص یا اشخاص معین تکمله آن است. بدین ترتیب گستره وسیعی از اموال مادی، حقوق مادی و معنوی و حتی حقوقی که به شیء معین تعلق یا منتسب نمی‌شوند و به اصطلاح دیجیتالی شده نیز، به جهت تأمین شروط پیش‌گفته، می‌توانند در زمره اموال قرار گیرند.

زمانی که دارایی در زمره اموال وارد شود، اصل انتقال‌پذیری اموال در مورد آن جریان می‌یابد. چراکه فایده‌مندی مال، مستلزم امکان انتقال قابلیت انتفاع آن به شخص دیگر است (همان: ۸۲). در مواردی از این اصل عدول شده و به دلایلی چون لزوم صرف مال در راه معین، ضرورت تغییر وضع حقوقی موجود، انتقال‌ناپذیری به حکم قانون یا قرارداد حق مالکیت فرد محدود می‌شود. همانطور که در حقوق عینی بر اموال مشهود و حقوق مالکیت فکری رایج است. در مورد حقوق اخیر، ممکن است فرد حق اختراع یک شیء را برای خود اختصاص بدهد؛ لیکن انتقال آن را برای مدت معینی برای خود محدود نموده و به موجب قرارداد، تکثیر مال موضوع اختراع را به شخص معینی واگذار کند. بدون اینکه به شخص اخیر اجازه انتقال حق مالکیت معنوی را با ثالث داده باشد.

مالکیت دارایی‌هایی که وصف مالیت یافته‌اند، از حقوق عینی اصلی است. با عنایت به عدم تعریف قانونی از مالکیت، می‌توان این حق را با اوصاف آن بازشناخت. اوصافی چون مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن که همچون بسیاری از حقوق و اموال دیگر و به اقتضای تحول مالیت‌پذیری دارایی‌ها، پیدایش دارایی‌های دیجیتال و در عین حال واجد بودن بسیاری از ویژگی‌های اموال سنتی، کمابیش تغییر یافته‌اند. مالکیت به اعتبار حقوقی، به معنای حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی است که قانون استثناء کرده باشد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۵: ۵۹۹). در قانون مدنی حق همه‌گونه تصرف و انتفاع، جز در موارد استثنائی ملاک مالکیت شناخته شده است (ماده ۳۰ قانون مدنی). مؤلفه‌هایی چون عدم اضرار به غیر و منافع عمومی و لزوم اجرای عدالت اجتماعی اجرای این حق را محدود می‌کند. گاه ارتباط میان مال و حق مالکیت قطع می‌شود با وجودی که هیچ یک از آثار تغییر مالکیت یا سلب مالکیت رخ نداده‌اند. به طوری که فک ملک از مالک انجام

می‌شود؛ لیکن به دیگری تملیک نمی‌شود. این وصف ممکن است در مورد دارایی‌های دیجیتال که نقطه تمرکز این پژوهش است صدق کند که تحت تأثیر عوامل مختلفی چون دخالت دولت‌های متبوع طرفین، دخالت هکرها و امثال آن رخ می‌دهد. البته معطل ماندن دارایی دیجیتال در حالت اخیر، حق مالکیت مربوط بدان را از بین نمی‌برد بلکه تنها دستیابی و تسلط بر مال برای مدتی محدود یا حتی سلب می‌گردد و علیرغم میل مالک، امکان انتفاع از آن نامیسر می‌شود.

مالیت دارایی در فقه تابعی از دیدگاه عرفی است و تنها شرایط آن مورد حکم قرار گرفته است. با این حال رغبت عقلا و تقاضای آن مشخصه اصلی مالیت عرفی یک دارایی است (فروغی و حسین‌زاده سرشکی، ۱۳۹۸: ۳۷). مالکیت در فقه اسلامی با اشکال مختلف شناسانده شده است. شیخ انصاری مالکیت را نسبتی میان مالک و مورد تملک می‌داند که از یک حکم تکلیفی برداشت می‌شود. البته تسلط عملی بر مال را نیز یکی اوصاف مالکیت می‌داند (غفاریان و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۰۳). گروهی دیگر با اوصافی چون سلطنت، نوعی اضافه و مرتبه‌ای از مقوله جده یاد کرده اند (همان). وحدت، دارا بودن، احاطه و اختصاص نیز اشارتی دیگر از مالکیت در لسان فقهی است (همان).

اینترنت در ۲۰ سال گذشته به تجارت راه یافته و در حال توسعه است و با پیدایش دارایی‌های دیجیتال، تأثیر شگرفی بر تغییرات اجتماعی، توسعه اقتصادی و به خصوص اقتصاد دیجیتال و در میان مردم عادی داشته است. قراردادهای هوشمند و بلاکچین، با دستهای ناشناس وارد فضای اینترنت شده و رمزارزها (رمزارزش‌ها) پا به پهنه دنیای مجازی نهادند. سرعت انتشار این دارایی‌ها تا حدی است که به مؤسسات مالی و بانک‌ها نفوذ کرده و در زمینه‌های مختلف همچون تولید برق، بهداشت، آموزش، امور مالی، دولتی، حمل و نقل، تدارکات و موارد دیگر به کار می‌رود. حتی برخی کشورها تصمیمات راهبردی بر این اساس گرفته و می‌خواهند منابع خود را به سیستم‌های مبتنی بر بلاکچین منتقل کنند و قوانین مرتبطی نیز وضع کرده اند (Szostek, 2019: 9). بنابراین بازنگری در مفهوم مالکیت این دارایی‌ها، اصول و مقررات حاکم بر آنها و استانداردسازی اصطلاحات مرتبط و قابل استفاده حقوقی در این حوزه، منطقی به نظر می‌رسد؛ چراکه به سرعت جای اموال مادی را می‌گیرند و چه بسا سودآوری بیشتری برای صاحبان آن دارند. بنابراین سؤال اصلی و هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان بازتعریف جدیدی از مفهوم مالکیت در سایه فناوری‌های نوین ارائه کرد؟

۲. تحلیل مبانی حاکم بر دارایی دیجیتال

۲.۱. مفهوم دارایی دیجیتال

تفاسیر متفاوتی از دارایی دیجیتال در ادبیات حقوقی و علمی ارائه شده است. برخی از آنها به عنوان مالکیت معنوی یا ماده دیجیتال با حق استفاده یا توزیع مربوط بدان تعریف می‌کنند (Akpan et. al, 2022: 2). گروهی دیگر این تعریف را توسعه می‌دهند و آن را مشتمل بر هر فایلی می‌دانند که از طریق رایانه‌ها، سرورها، وب سایت‌ها یا سکوها آنلاین، از جمله عضویت‌ها و حساب‌ها، ایجاد، ذخیره، مدیریت یا استفاده می‌شود (Conner, 2011: 303). مرکز فناوری بلاکچین کالج دانشگاهی لندن رویکردی ارائه می‌کند که بر محوریت بلاکچین ترتیب داده است و بیان می‌دارد که دارایی‌های دیجیتال، داده‌هایی هستند که روی بلاکچین ثبت می‌شوند و حقوق خاصی مانند مالکیت، دسترسی، نمایندگی، رأی‌گیری یا استفاده عملی اعطا می‌کنند (Lee, 2024: 2). با این حال، اطلاق «شیء یا چیز» به دارایی‌های دیجیتال قدری ناقص، بی‌اعتبار و قابل نقد به نظر می‌رسد. در اصل دارایی‌های دیجیتال از موجودیت‌های دیجیتالی تشکیل شده‌اند که شامل داده‌ها، محتوا و حقوقی هستند که به شیوه‌های خاص و قابل شناسایی ذخیره شده‌اند. فناوری‌هایی مانند بلاکچین این شناسایی متمایز را تسهیل می‌کنند و تجارت، استفاده و مالکیت آنها را میسر می‌سازند. ماهیت پویای حقوق مالکیت مرتبط با دارایی‌های دیجیتال، از ارزشها و اولویت‌های اجتماعی در عصر دیجیتال به شمار می‌رود (Banta, 2017:1103). در واقع، این که آیا دارایی‌های دیجیتال واجد حق مالکیت هستند یا خیر، نشانگر یک جامعه انتظام یافته است. بنابراین درک ماهیت این حقوق ضروری است و قانونگذاران داخلی را ترغیب می‌کند که رویکردهای نظارتی را با ارزش‌های اجتماعی گسترده فوق همسو نمایند.

دامنه دارایی‌های دیجیتال گسترده است و طیف وسیعی از محتوا و حقوق ذخیره شده دیجیتالی را پوشش می‌دهد. از جمله ارزهای دیجیتال و توکن‌های غیرقابل تعویض (NFTها)، توکن‌های دیجیتال، حساب‌های شبکه‌های اجتماعی، الگوریتم‌ها، حساب‌های ابری و سایر اشکال مالکیت معنوی دیجیتال که در هر دوره روزآمد می‌شوند (Akpan et. al, 2022: 2). با این حال با توجه به گرایش عامه به رمزارزها و NFTها، مطالعه دارایی‌های دیجیتال به این دو مورد محدود خواهد شد. دارایی‌های رمزگذاری شده (ارزهای دیجیتال)، دارایی‌های دیجیتالی هستند که از طریق رمزنگاری ایمن‌سازی شده‌اند و نشان‌دهنده ارزش مالی یا حقوق قراردادی می‌باشند که

می‌توانند منتقل، ذخیره و به صورت الکترونیکی معامله شوند (HM Revenue & Customs, 2025,)
[./https://www.gov.uk](https://www.gov.uk).

معمولاً دارایی‌های دیجیتال همچون ارزهای دیجیتال، توکن‌های دیجیتال و NFTها عمدتاً از فناوری بلاکچین استفاده می‌کنند. فناوری بلاکچین زیرمجموعه‌ای از DLT¹ است (Garrido, 2023: 9) که ثبت تراکنش‌های غیرمتمرکز، شفاف و بدون واسطه را از طریق الگوریتم‌های رمزنگاری تسهیل می‌کند (Ibid.; Savelyev, 2016: 6). این امر انتقال دارایی‌های دیجیتال یا دارایی‌های فیزیکی ارائه شده به صورت دیجیتالی را بدون نیاز به اشخاص ثالث مورد اعتماد، امکان‌پذیر می‌سازد (Ibid: 15) و سوابق مالکیت دقیق را تضمین کرده و تبادل اطلاعات شفاف و قابل اعتماد را تقویت می‌نماید (Ibid: 7). بیت‌کوین که توسط ساتوشی ناکاموتوی ناشناخته نوشته شده است، معروف‌ترین شکل دارایی رمزنگاری شده مبتنی بر فناوری بلاکچین است که تا کنون به عنوان ارز دیجیتال پیشرو تثبیت شده است (Nakamoto, 2008). با این حال، نوآوری واقعی با ادغام قراردادهای هوشمند و DTL ظهور کرد (Garrido, 2023: 13). قراردادهای هوشمند، به طور خودکار، تعاملات بین طرفین را بر اساس قوانین ازپیش تعریف شده کدگذاری شده در دفتر کل، مکانیزه می‌کند. این امر انتقال و مدیریت امن دارایی‌های رمزنگاری شده را از طریق قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین تسهیل می‌کند (Ibid.). این پیشرفت از آن جهت قابل توجه است که انتقال و مدیریت امن مالکیت دارایی‌های دیجیتال را از طریق قراردادهای هوشمند روی بلاکچین امکان پذیر می‌کند (Garcia-Teruel and Simón-Moreno, 2021: 4). با این حال، قابلیت انتقال مالکیت دارایی، بررسی این موضوع را ضروری می‌کند که آیا اصول سنتی حقوق مالکیت در یک بستر غیرمتمرکز قابل اجراست یا خیر.

۲.۲. ویژگی‌ها و محدودیت‌های دارایی‌های دیجیتال

از جمله دارایی‌های دیجیتال، دارایی‌های رمزنگاری شده هستند که در سال‌های اخیر، به عنوان شکل جدیدی از نوآوری در پرداخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و مدیریت ثروت، به شکلی تصاعدی رشد کرده‌اند. ارزهای دیجیتال روی یک بلاکچین، که یک فناوری دفتر کل توزیع شده و باز است، ساخته شده‌اند که می‌تواند تراکنش‌های بین دو طرف را به روشی کارآمد، قابل تأیید و دائمی ثبت کنند. سه نوع اصلی از بلاکچین خصوصی (تک‌کاربره)،

¹ - Decentralized Ledger Technology

مجاز (چندکاربره) و عمومی (نیازمند یک مکانیزم اجماع) وجود دارد. ارز دیجیتال که معمولاً به عنوان کریپتو شناخته می‌شود، یک ارز دیجیتال است و سوابق دارایی‌های فردی در یک پایگاه داده رایانه‌ای ثبت می‌شوند و به عنوان واسطه‌ای برای تبادل عمل می‌کنند. به دلیل ماهیت غیرمتمرکز ارز دیجیتال، از نظارت‌های دولتی فارغ است. یک ارز دیجیتال که در یک شبکه رایانه‌ای پخش شده است، در واقع ارز دیجیتال است (Hue, 2022: 398). بیت‌کوین و بسیاری از ارزهای دیجیتال دیگر، بر یک بلاکچین عمومی با مکانیزم اجماع قرار دارند که در آن وظیفه محاسبه اثبات کار، قبل از به دست آوردن حق به‌روزرسانی دفتر کل نیاز به حل شدن دارد (Allen et. al, 2022: 8). مشکل عمده در مورد ارزهای دیجیتال افزایش شتاب ارزهای دیجیتال و خطرات خاصی است که امکان ادغام آتی ارزهای مجازی در سیستم پولی و مالی را در غیاب قوانین و استانداردهای نظارتی بوجود آورده است. مسأله دیگر در عدم امکان ردیابی هویت اپراتورها و کاربران است که ایجاد بازارهای سیاه را تسهیل و فرصت‌های بی‌شماری بوجود آورده است. به علت چالش‌های نظارتی بر سیاست‌های پولی دولت و دور زدن طرح‌های نظارتی فعلی، موجب فعالیت‌های غیرقانونی نیز می‌شوند. همچنان که به علت افزایش آگاهی و محبوبیت این ارزها، احتمال گسترش آنها به حوزه‌های دیگر همچون صنایع نیز وجود دارد. با وجودی که بسیاری از کشورها برای مهار فرار مالیاتی همکاری می‌کنند، ارزهای دیجیتال می‌توانند به عنوان بهشت مالیاتی عمل کرده و در نتیجه توانمندی دولت‌ها در ردیابی و پیگرد قانونی فرارکنندگان مالیاتی را از بین ببرند. همچنین اگرچه ارزهای دیجیتال به مشخصه‌های امنیتی قوی ارائه شده توسط فناوری بلاکچین متکی هستند، لیکن کاربران در برابر هک، کلاهبرداری، سرقت و نقض حریم خصوصی مصون نیستند (Okatan, 2022: 75). بدین ترتیب، ارزهای دیجیتال بر خلاف ارزهای دولتی، نه به صورت فیزیکی نمایش داده می‌شوند و نه توسط یک مرجع نظارتی کنترل می‌شوند. در واقع ارزش آنها تنها از انتظارات جامعه و اعتماد افراد ذی‌مدخل در سیستم گرفته می‌شود.

NFTها نیز توکن‌هایی برای نمایش مالکیت دارایی‌های خاص هستند. به موجب این توکن‌ها، می‌توان اموری همچون هنر، کلکسیونها و املاک و مستغلات نمادگذاری شوند. به لطف این توکن‌ها، داده‌های فرسایشی توسط بلاکچین اتریوم ایمن می‌شوند و هیچ کس نمی‌تواند محیط‌های غیرمخفی را تغییر دهد یا با کپی کردن و چسباندن یک NFT جدید، آن را اصلاح کند. این توکن‌ها قابل تغییر یا تعویض نیستند. گسترش منحصر به فرد این توکن‌ها، مشخصه غیرقابل تعویض را به آنها بخشیده است. در حالی که دارایی‌های رمزنگاری شده مانند اتریوم،

یا دلار قابل تعویض هستند زیرا قابلیت مبادله با یکدیگر را دارند. به عبارت دیگر NFTها روشی جدید و منحصر به فرد برای فناوری بلاکچین هستند که می‌توانند مالکیت و حقوق قابل معامله دارایی‌های دیجیتال را تأیید کند. این توکن‌ها، نمایانگر یک پدیده دیجیتال نوظهور هستند که روش‌های نوآورانه اتصال تولید محتوا به برنامه‌های بلاکچین را شالِم می‌شوند و روشی جدید برای احراز هویت ایجاد می‌کنند. این توکن‌ها برنامه‌های کاربردی هستند که محتوای منحصر به فرد را در قراردادهای هوشمند، درون و بیرون از زنجیره، برای تأیید ایمن مبدأ رمزگذاری می‌کنند. هویت و مالکیت آنها توسط فناوری دفتر کل توزیع شده، پشتیبانی و تأیید می‌شود. استفاده از رمزنگاری ریاضی و سیستم‌های بسیار امن در یک شبکه نظیر به نظیر، امنیت آنها را دوچندان می‌کند. از آنجا که فناوری‌های دیجیتال نحوه ساختاردهی، ثبت، استفاده، انتقال، اشتراک‌گذاری و استفاده از محتوا را تغییر می‌دهند، NFTها بیشتر برای دیجیتالی کردن زنجیره‌های دارایی به شیوه‌ای شفاف‌تر، ایمن‌تر و ملموس‌تر به کار می‌روند. NFTها با دانش و فرایندهای جدید ذخیره‌سازی، جاسازی، رمزگذاری و اعتبارسنجی محتوا و دارایی‌های دیجیتال خاص، کاربرد و منشأ دارایی دیجیتالی که ارائه می‌کند را حفظ و به آن اجازه می‌دهد تا راحت‌تر از سیستم‌های سنتی معامله، مبادله، تأیید و منتقل شوند. از ویژگی‌های این توکن‌ها می‌توان به عرضه محدود، غیرمستمر و غیرتکراری، غیرقابل استفاده بودن در محیط مشابه به خاطر منحصر به فرد بودن همانند تمبرهای کلکسیونی، غیرقابل تقسیم بودن، فناپذیری (غیرقابل کپی، حذف یا نابودی) به جهت قابلیت اعطای مالکیت NFT به کیف پول یا مالکیت هم‌تا، قابلیت تأیید به واسطه احراز هویت و قابلیت ردیابی تراکشن‌ها اشاره کرد (Okatan, 2022: 77). علاوه بر مشخصه‌های فوق برخی مشکلات حقوقی که بعضاً ناشی از همین ویژگی‌هاست، برای تبادلات این توکن‌ها وجود دارد که گاه استعمال آنها را با مشکل مواجه کرده و رغبت بدان را در صورت آگاهی از این مشکلات برای دولت‌ها و افراد کمتر می‌کند.

مشکلات عمده NFTها و توکن‌های غیرقابل تعویض، مربوط به حق نشر (خرید این توکن به منزله خرید اثر دیجیتال نیست و ممکن است خالق اثر، حق کپی، توزیع، اصلاح و نمایش عمومی یا اجرای اثر را برای خود محفوظ دارد)، قوانین حفظ حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها (عدم امکان حذف داده‌ها و اطلاعات شخصی توسط افراد به علت ویژگی تغییرناپذیری توکن‌ها و در نتیجه نقض قوانین حفاظت از داده‌ها)، حق مالکیت (قانون حاکم بر فروش یا تضمین NFT با محل ذخیره دارایی تعیین می‌شود که شاید محل خود دارایی در آنجا نباشد)،

پولشویی، نظارت، مسائل مالیاتی (به علت محل قرارگیری آنها)، امنیت (حملات سایبری و سایر تهدیدات برخط) و برنامه‌ریزی املاک و توارث (برخورد با توکن‌ها در صورت فوت مالک) هستند (Ibid.).

با عنایت به محدودیت‌هایی که برای رمزارزها و NFTها برشمردیم در حوزه مالکیت آنها نیز شبهاتی بوجود می‌آید که منتهی به نظریات متعددی راجع به قابلیت تملک و اعمال حقوق خصوصی بر آنها شده است و بدین ترتیب موافقان و مخالفانی نیز یافته است. در ادامه به برخی از این نظریات اشاره می‌شود.

۳. مالیت دارایی‌های دیجیتال

مالکیت از دیرباز محور چارچوب‌های قانونی بوده و ساختار اقتصادی و اجتماعی را در طول قرن‌ها شکل داده است. دارایی‌های در شکل سنتی آن، مشتمل بر دارایی‌های عینی و اعتباری است و مقرراتی راجع به مالکیت، نقل و انتقال آنها و حل اختلاف طرفین وجود دارد. دارایی‌های اعتباری یا اموال غیرمادی، حقوقی معنوی هستند که دارای ارزش مالی بوده و صاحب آن را منتفع می‌نمایند و مانند هر مال دیگر واجد حقوقی همچون امکان نقل و انتقال و انحاء معاملات ممکن هستند. در تعریف سنتی از مال، حتی در حقوق معنوی، که معمولاً با نگرشی فیزیکی شکل گرفته است، چالش‌هایی وجود دارد که ویژگی‌های دارایی‌های دیجیتال را دربر نمی‌گیرد. بنابراین کاربردپذیری نظریات سنتی مالیت باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. نظریات سنتی عمدتاً بر دارایی‌های عینی و ملموس تمرکز دارند که به نظریه‌های فیزیکالیستی و مجموعه‌ای از حقوق اطلاق می‌شوند.

با این حال با نگاهی به مطالعات پیشین راجع به ماهیت مال و انتظاری که شخص از انتخاب‌های خود راجع بدان دارد می‌توان از مناظر متعدد دارایی‌های دیجیتال را مال تلقی کرد. دیدگاه اقتصادی، بر آن است که تقاضای یک مال، ارزش آن را تعیین می‌کند. بنابراین، قیمتی که روی آن مال می‌نهند، ارزش مبادلاتی است که در واقع نشأت گرفته از همین مطالبه است. در مورد دارایی دیجیتال، تقاضا نمی‌تواند موجب قیمت‌گذاری شود بلکه، یک ارزش ذهنی است که جامعه بدون مشاهده فیزیکی آن، ارزش‌گذاری می‌کند. بنابراین، ارزش مبادلاتی دارایی دیجیتال می‌تواند ارزش اقتصادی آن را تعیین کند. در واقع با شهرت یافتن یک دارایی دیجیتال در جامعه، ارزش آن بالا می‌رود و لزوماً تقاضای آن معرف ارزش‌گذاری آن نیست. بنابراین یکی از وجوهی که موجب ارزش‌گذاری می‌شود، طراحی، خلق و حفظ برند است. وجه دیگر، حجم بزرگی از اطلاعات و داده‌های افراد است که نگهداری می‌شود و در موارد لزوم مورد استفاده قرار می‌گیرد (فروغی و حسین‌زاده سرشکی، ۱۳۹۸: ۴۲ - ۴۳).

به عبارت دیگر، یک شیء زمانی که مورد رغبت انسان قرار گیرد، مالیت می‌یابد و می‌تواند تحت تملک درآید. رغبت عقلاً به یک مال به علت منافع واقعی یا اعتباری حاصل از آن است. از آنجا که ممکن است به خاطر فراوانی یک مال، وصف تملک بدان تعلق نگیرد، ویژگی «رقابت برای به دست آوردن» آن را نیز برای مالیت یک شیء در نظر می‌گیرند (چیت سزایان و خورسندی، ۱۴۰۰: ۱۱۸). به نظر می‌رسد این دو ویژگی (تمایل و رقابت پذیری)، در مورد دارایی‌های دیجیتال صدق می‌کند و بنابراین وصف مالیت راجع به آنها درخور است. با این حال باید دریافت که این اموال در کدام گروه از اموال جای می‌گیرند و شاید می‌بایست دسته جدیدی برای آنها در نظر گرفت. بی‌شک دارایی‌های دیجیتال که هرگز نمود فیزیکی نمی‌یابند، عین نیستند. هرچند اکثر حقوق ناشی از عین از قبیل خرید، فروش، استخراج و در مورد رمزارزها امکان نابودی را دارند. گروهی معتقدند که به حقوق نیز تعلق ندارند. در زمره منافع هم نیستند، چراکه حقوق ناشی از منافع محدودتر از حقوقی است که از مالیت دارایی‌های دیجیتال حاصل می‌شود (از جمله خرید و فروش). عدم قابلیت لمس و دیدن نیز نمی‌تواند وسیله‌ای برای تلقی منفعت بودن آنها ایجاد کند. برخی از محققان معتقدند که دارایی‌های دیجیتال مخصوصاً گزینه‌های مورد مطالعه، عین هستند. مثال آنها در مورد اعتبار مالی است که یک فرد در بانک دارد و علیرغم عدم وجود پول فیزیکی، تراکش‌هایی را با وجه موجود در حساب خود انجام می‌دهد و در صورت لزوم می‌تواند مالی خارجی را نیز از بانک مطالبه کند و نمی‌توان گفت چون اعتبار وی در حساب اوست پس این مال عینیت ندارد. بنابراین دارایی‌های اعتباری افراد در حساب بانکی در واقع دارایی عینی افراد است (همان: ۱۱۹). این تفکر از دیدگاه‌های متفاوت راجع به «عین» نشأت می‌گیرد. برخی معتقدند که عین چیزی در مقابل دین و منفعت است و در عالم واقع تحقق پیدا می‌کند، بدون آنکه لزوماً قابل مشاهده باشد. برخی دیگر عین را یک عین معین و خارجی می‌دانند و در واقع موجودیت آن را ملاک قرار می‌دهند. گروهی دیگر عین را موجودی فیزیکی می‌شمارند که دارای ابعاد است. به نظر می‌رسد که با تسامح بتوان عین را در مقابل منفعت و دین قرار داد. زیرا دارایی‌های دیجیتال از فضای اینترنت و مجازی نشأت می‌گیرند (همان) و جایگاه معینی دارند و زائیده انتزاعات ذهنی نیستند. بنابراین حق نیستند. با عنایت به گستره تصرفات فرد بر آنها، منفعت نیز تلقی نمی‌شوند. بنابراین اگر خود را محدود به اشکال سه گانه مال در عالم حقوق نماییم، عین دانسته می‌شوند. مگر این که نوع جدیدی از اموال برای این نوع از دارایی‌ها تعریف شود که محتملتر است. در واقع فضای مجازی، یک فضای حقیقی است که می‌تواند مولد دارایی دیجیتال عینی باشد.

بر عینیت وجوه نقد توافق عام وجود دارد. بنابراین می‌توان این بحث را باز کرد که آیا ارزشهای دیجیتال که در مبادلات واقعی به عنوان ثمن قابل استفاده هستند می‌توانند ماهیت پولی داشته باشند؟ برخی معتقدند که دارایی‌های دیجیتال در واقع ناقل ارزش یک شیء یا کالای فیزیکی هستند و به عنوان کالای سرمایه‌ای محسوب می‌گردند و برخی نیز بدان هویت پولی می‌دهند. در واقع، پول واسطه‌ای برای مبادلات، واحد حساب و ذخیره ارزش است (کیوانلو شهرستانکی و ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۵-۶). به علت عدم رواج کامل داراییهای دیجیتال میان مردم جامعه، گفته می‌شود که این دارایی‌ها تنها میان عده معدودی واسطه مبادلات هستند و نمی‌توانند این وصف را تأمین کنند. در حالی که واسطه بودن پول برای مبادلات لزوماً نباید میان همه جوامع رواج داشته باشد. کمالینکه ارزشهای خارجی (دلار، پوند و ...) در ایران رواج ندارند ولی در کشور منشأ، وصف پولی یافته‌اند و مناقشه‌ای در آن نیست. هرچند در کشورهای دیگر، نیز واسطه مبادلات قرار می‌گیرند. در مورد رمزارزها نیز به نظر می‌رسد این نقد کارساز نیست. چرا که دسترسی به دارایی دیجیتال برای امکان واسطه‌گری آن در مبادلات کفایت می‌کند و در عمل نیز چنین است. پس همه‌گیری آن در کشور معین نمی‌تواند معیار مناسبی برای وصف پولی یک عین دانسته شود. همچنان که بدون پشتوانه بودن رمزارزها دلیلی برای پول ندانستن آنها نیست. چرا که پشتوانه پول داخلی هر کشور را دولت تعیین می‌کند و چه بسا دولت‌ها بخواهند در آینده پشتوانه‌ای برای دارایی‌های دیجیتال در نظر بگیرند که این مسأله را نیز منتفی می‌کند. در واقع، اعتباربخشی به یک ارز اعم از مادی و دیجیتالی امری منوط به تصمیم‌گیری دولتمردان است که وقوع آن نیز با توجه به سابقه تولید یک پول جدید در کشورها و کنار گذاشتن پول ملی پیشین محتمل است. مؤید و شاهد این نظر، وصف معیار شخصی در ارزش بخشی به یک مال است (مجاهد و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۳). بنابراین ممکن است مالی برای یک شخص ارزش داشته و از نظر وی قابلیت مبادله داشته باشد و از دیدگاه شخص دیگر چنین نباشد. بدین ترتیب، صرف واسطه مبادله بودن یک مال میان افراد معدود ملاک مناسبی برای سلب وصف مالیت از دارایی‌های دیجیتال نیست.

در دیدگاه دیگر، دارایی‌های دیجیتال به علت ماهیت غیرفیزیکی و بر حسب اعتقاد به قابلیت مشاهده اعیان، جزو این دسته نیست. از منظر این گروه، دارایی‌های دیجیتال در دسته حقوق قرار می‌گیرند. منتها در مورد نوع حقوق قائل به تفکیک می‌شوند. به طوری که اگر رمزارزی صادرکننده مشخصی داشته باشد، ناشر این دارایی متعهد به تبدیل آن به ارز یا ارزشهای معین است. مانند دارایی‌های دیجیتالی که بانک مرکزی برخی کشورها صادر می‌کنند.

به عبارت دیگر، دارنده رمزارز، حق دینی بر عهده صادرکننده دارد تا آن را به وجه رایج تبدیل کند (خادمان و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۵۸). دارایی‌های دیجیتالی که صادرکننده مشخصی ندارد و به تبع آن متعهدی نیز متصور نیست، مسأله حق دینی منتفی است و در توجیه نظر خود به دیدگاه پیشین باز می‌گردد و به مفهوم عین اشاره می‌کند. که با توجه به ملموس بودن اعیان، نمی‌توان حق عینی برای این نوع رمزارزها قائل شد. بدین ترتیب به حقوق معنوی متمسک شده و با توجه به منشأ پیدایش رمزارزها (ابداع الگوریتم ریاضی)، این اموال را در زمره حقوق معنوی یا فکری می‌دانند (میرزاخانی، ۱۳۹۶: ۳۸). حال آنکه نمی‌توان ایده اثر و خود اثر را یکی دانست. بنابراین منتسب کردن یک دارایی دیجیتال به یک الگوریتم ریاضی که منشأ ایجاد آن است امری منطقی نیست. بنابراین محصول با حقوق مالکیت معنوی منشأ آن متمایز است. بحث در این مقال بر نوع مالیت محصول (دارایی دیجیتال) است نه ایده منشأ آن. بنابراین، محصول نمی‌تواند جزو اموال فکری باشد. چرا که این محصول به راحتی دست به دست می‌شود و متعلق به شخص خاصی نیست و برای مبادله آن نیاز نیست از مولد آن مجوزی اخذ شود.

بدین ترتیب همانطور که پیشتر آمد، علیرغم وصف مالیت دارایی‌های دیجیتال، نمی‌توان آن را در دسته‌بندی سنتی گنجانند. همانطور که با تغییر جوامع و نیازهای اقتصادی، موضع قانونگذار و اقتصاددانان تغییر می‌کند و دست به ابداع می‌زنند تا بتوانند بر چالش‌های اقتصادی و فرامرزی فائق آیند، در این مورد مبتلا به محدود به مرزهای داخلی هم نیست، به نظر می‌رسد بتوان گونه جدیدی از اموال را تعریف کرد. در این خصوص دو دیدگاه مطرح شده است: در یک تفکیک سنتی از اموال، آنها را به اموال مادی و غیرمادی تقسیم می‌کنند و می‌توان نوع دوم را به اموال فکری و غیرفکری تقسیم کرد. بر این اساس، دارایی‌های دیجیتال در زمره اموال غیرمادی غیرفکری قرار می‌گیرند. از منظر دیگر، عین در مقابل منفعت قرار می‌گیرد و همچون نظریه عین به عنوان یک موجودیت، با آن برخورد می‌شود با این تمایز که هر ماهیتی که فی نفسه ارزش دارد عین نامیده می‌شود. در این صورت اگر مالی فی نفسه ارزشمند باشد و ارزش آن به مال (حق انتفاع)، اشخاص دیگر (حق دینی) یا فکر و ایده افراد (حقوق فکری) وابسته نباشد، عین محسوب می‌شود. بنابراین ماهیت مادی یا غیرمادی آن در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. همانطور که برخی از نویسندگان به این نظریه قائلند. این گروه عین را مفهومی عام مشتمل بر امور مادی (قابل رؤیت مانند خودرو) و غیرمادی (غیرقابل رؤیت مانند برق) می‌دانند (محمودی، ۱۳۹۸: ۵۱۴). در نظری دیگر، به شیوه‌های سنتی تقسیم‌بندی علاقه افراد به اموال ارجاع داده می‌شود و به نوعی از روش حذف گزینه

استفاده می‌شود. به طوری که اگر علاقه افراد به دارایی‌های دیجیتال در زمره انتفاع و ارتفاق نباشد مالکیت است و از آنجا که از جنس منفعت نیست پس عین است. بدین ترتیب در نهایت قریب به اتفاق نظریات فوق به عین بودن ماهیت دارایی‌های دیجیتال می‌انجامد و هرآنچه وصف عین است در مورد این دارایی‌ها نیز صحیح است (اعم از خرید و فروش، توقیف، ضمان اتلاف و ...). به نظر می‌رسد دانش حقوقی فعلی امکان توسیع ماهیت دارایی دیجیتال به گروه دیگر را نمی‌دهد و تا زمانی که نظریه‌پردازی حقوقی از پبله سستی خود خارج نشده و دست به مکاشفه در علم حقوق نزده، بسنده کردن به عینیت این اموال تنها راه حل موجود است.

نکته قابل ملاحظه در تبیین نوع مالیت دارایی‌های دیجیتال، تشخیص ماهیت پولی یا غیرپولی آن است. همانطور که پیشتر آمد، طبق یک نظر، پول موجودی اعتباری است که ارزش آن را حکومت تعیین می‌کند. در صورت عدم مداخله دولت‌ها در اعتبارگذاری بر دارایی‌های دیجیتال نمی‌توان وصف پول بدان داد. لیکن نباید از نظر دور داشت که حکومت‌ها نیز زمانی به اعتباربخشی دست می‌زنند که از قبل موجودیتی میان مردم رواج یافته و برای انتظام بخشی به مبادلات و اعتباربخشی بدان دست به تقنین می‌زنند. در مورد دارایی‌های دیجیتال نیز به واسطه فراگیری اندک فعلی آن، حکومت‌ها هنوز رسمیت و اعتباربخشی بدان را احساس نکرده‌اند و در صورت رواج آن و به منظور نظم بخشی مبادلات و حقوق دارندگان آنها مقررات متناسبی تدوین و تصویب کنند. پذیرش عمومی گاه تخییری و گاه تحمیلی (از سوی دولت‌ها) است (خادمان و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۶۵). در حالت اخیر، امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت بوده و به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تفویض شده است (بند الف ماده ۳ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸). بنابراین، وصف پولی دارایی دیجیتال منوط به ارزشگذاری آن توسط شورای عالی پول و اعتبار و بانک مرکزی است. دولت تا کنون اقدام جدی راجع به پول شمردن دارایی‌های دیجیتال قابل مبادله انجام نداده است. با این حال استخراج رمزارزها را به موجب آیین‌نامه «فرایند ماینینگ (فرایند استخراج فرآورده‌های پردازش رمزنگاری شده رمزارزها) و استفاده از رمزارز» استخراج رمزارز را مجاز شمرده و با محدودیت‌هایی پذیرفته است. لیکن همچنان بر ممنوعیت استفاده پولی از آنها اصرار ورزید (مصوب ۱۳۹۸/۵/۱۳). یکی از علل کناره‌گیری مصرانه حکومت از ارزشگذاری پولی بر رمزارزها، می‌تواند به منشأ نشر فراملی و نوسان ارزش دلاری آن بازگردد. البته مسأله دوم خالی از وجه است. چراکه وجه رایج مملکت نیز واجد همین نقیصه است. به جهت همین خلأ قانونی، در صورتی که مبادله‌کنندگان و دارندگان

رمزارزها به علت مبادلات آن متضرر شوند یا حقوق یکدیگر را نقض کنند، نمی‌توانند دادخواهی خود را نزد مقام قضایی ایرانی ببرند. به طوری که مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نخواهد بود (ماده یک آیین‌نامه). لیکن استخراج آن در صورت طی فرایند اخذ مجوز ممکن شده است. به نظر می‌رسد اگر مشکل منشأ مولد دارایی دیجیتال، برطرف شود و کنترل تولید رمزارز در دست دولت باشد بتوان ماهیت پولی بدان بخشید.

آنچه تا کنون راجع به ماهیت دارایی‌های دیجیتال گفته شد، در مواردی که ماهیت رمزارز داشته و خصوصیت «عمومی» داشته باشد، می‌تواند محل مجادله باشد. لیکن در مورد توکن‌هایی که ویژگی «منحصر به فرد» دارند می‌تواند عنوان دیگری بیابد. به طوری که این نوع توکن‌ها همچون NFTها، در حکم سند بهاداری دانسته شوند که حامل یک ارزش مالی برای یک مال معین هستند و لزوماً قابلیت معامله عمومی نداشته و امکان تقسیم آنها وجود نداشته باشد و به عنوان یک کل نگریسته شود. این سند می‌تواند تنها در مواردی ارزشگذاری شود و در سایر خصوصیات مال، محدودیت ایجاد کند و دارنده آن، لزوماً همه اوصاف مالکیت (از جمله حق مالکیت فکری و تکثیر اثر اصلی که توکن‌ها یک کپی از آن به شمار می‌روند) را دارا نباشد. پیش‌نویس آیین‌نامه فوق، برخی از رمزارزها را نیز علاوه بر این که ورقه بهادار شمرده، تابع قوانین بورس نیز دانسته بود که در تصویب نهایی نادیده گرفته شد.

۴. پذیرش مالکیت دیجیتال در حقوق عرفی و موضوعه

اصطلاح مالکیت^۲ در زبان انگلیسی نسبتاً مبهم است. در زمینه‌های مختلف و برای افراد مختلف از یک شیء که متعلق به کسی است و حقی مانند مالکیت بر همان شیء، معانی متفاوتی دارد. شیء به عنوان «چیز، کالا یا شیء» نیز شناخته شده است. اگرچه مالکیت به حق مالکیت نیز ارجاع داده می‌شود. بنابراین تمایز میان حق مالکیت و شیء موضوع آن مبهم است. در متون حقوقی عرفی عموماً از این اصطلاح برای اشاره به حقوق مربوط به تملک و استفاده از یک کالای معین استفاده می‌شود. در واقع آنچه مختص یا خاص هر شخص است و منحصرأ به یک نفر تعلق دارد و به معنای دقیق حقوقی، مجموعه‌ای از حقوق که توسط دولت تضمین و محافظت می‌شود. این اصطلاح به هر نوع حق و منفعت ارزشمند اطلاق می‌شود. به طور خاص، مالکیت، حق نامحدود و انحصاری بر یک چیز است و حق واگذاری یک شیء به هر طریق قانونی، تصرف آن، استفاده از آن و جلوگیری از دخالت

² - Property

هر شخص دیگر در آن را مالکیت گویند (BLACK, 1968: 1382). مالکیت همان سلطه یا حق نامحدود استفاده یا تصرف است که یک شخص می‌تواند به طور قانونی بر اشیاء یا موضوعات خاص اعمال کند. حق انحصاری تملک، انتفاع و از بین بردن یک شیء است. بالاترین حقی است که یک انسان می‌تواند نسبت به هر چیزی داشته باشد. حقی که نسبت به زمین یا املاک، کالاها یا اموال منقول دارد که به هیچ عنوان وابسته به نظر و خواست دیگری نیست (Ibid.). نکته مهم این است که شاکله و چارچوب اصلی مالکیت، تصرف است که حقوق عرفی آن را به عنوان یک حق در نظر بگیرد و شخصی که بهترین و بیشترین تصرف را بر آن دارد مالک محسوب می‌شود (Rahmatian, 2010: 19). بدین ترتیب، حقوق عرفی پیش از خود مالکیت، عمدتاً از جبران خسارات ناشی از جرم، مانند تجاوز به اموال و ایجاد تغییرات در آنها حمایت می‌کند. حقوق مدنی از حق مالکیت یا خود مالکیت،^۳ از طریق ادعای جبران خسارات یک شیء^۴ و ادعای سلبی تواقف سایر تخلفات و اعاده وضع^۵ حمایت می‌کند (Ibid: 19-23). بنابراین مالکیت در حقوق مدنی یک امر موضوعی^۶ و حقی برای کنترل یک کالا است. با این حال در هر دو سیستم، مالکیت دو جنبه دارد: نخست اعمال کنترل واقعی بر شیء^۷ و دومی قصد انحصار بر آن شیء^۸ (Ibid: 13). در حقوق عرفی از دست دادن مالکیت به معنای از دست دادن حقوق مربوط به مالکیت نیز هست. در حالی که در حقوق مدنی، علیرغم از دست دادن کنترل بر دارایی، حقوق مربوط بدان به قوت خود باقی می‌ماند (Ibid: 15). هر دو سیستم بین کالای ملموس و غیرملموس تمایز قائل می‌شوند. لیکن طبق حقوق عرفی هر دو دسته بخشی از مفهوم دارایی هستند. در حالی که در حقوق مدنی عموماً به افراد حق انحصاری نیز نسبت به دارایی‌های ناملموس مالی آنها اعطا می‌گردد (Ibid: 5-6). به هر حال، مالکیت هر دارایی به معنای محروم کردن دیگران از آن کالا است. با صرفنظر کردن از نظام حقوقی منشأ، حقوق مالکیت امری صرفاً قراردادی است که در آن رابطه ویژه یک شخص خاص با یک کالای خاص به رسمیت شناخته می‌شود. به طور کلی، حق مالکیت وجود دارد؛ زیرا قانون با برخی کالاها به عنوان اشیاء حمایت شده برخورد می‌کند. این حقوق به ساختارهای قانونی «اشیاء»^۹ تعلق می‌گیرد (Rahmatian, 2020: 188).

³ - ownership

⁴ - rei vindicatio

⁵ - actio negatoria

⁶ - matter of fact

⁷ - corpus

⁸ - animus

⁹ - res

با توجه به تمایز میان حقوق مدنی و حقوق عرفی در تعریف کلی از مال و مالکیت، دیدگاه‌های این دو نظام حقوقی نسبت به دارایی‌های دیجیتال جالب توجه به نظر می‌رسد. در ادامه به برخی از دیدگاه‌های اختصاصی این دو نظام اشاره می‌شود.

۴،۱. پذیرش مالکیت دیجیتال در رویکرد کامن لا

با توجه به ساختار سیال و مبهم دارایی، شاید جای تعجب نباشد که سیستم‌های حقوقی عرفی هیچ مشکلی در به رسمیت شناختن دارایی‌های دیجیتال به عنوان مال و مایملک نداشته‌اند. دادگاه‌های انگلستان و ولز (ENGLAND AND WALES HIGH COURT OF JUSTICE, 2018: 13; 2024: 35)، سنگاپور (HIGH COURT OF THE REPUBLIC OF SINGAPORE, 2022: 46) و نیوزلند (Babie et. al, 2020: 1) بیتکوین و سایر دارایی‌های رمزنگاری شده را در چارچوب عرفی به عنوان مال به رسمیت شناختند. کارگروه صلاحیت قضایی بریتانیا در پزل فناوری حقوقی، در بیانیه حقوقی خود در مورد دارایی‌های رمزنگاری شده و قراردادهای هوشمند بر همین نظر است (UK Jurisdiction Taskforce, 2019: 50). در اکثر موارد اختلافی در مورد طبقه‌بندی دارایی‌های دیجیتال در زمره اموال، مطرح نشده و بسیاری از پرونده‌ها، متهمانی را دربرمی‌گرفت که هویت آنها کاملاً ناشناخته بود. با این حال، اشاره مستقیم به ماهیت دارایی‌های دیجیتال در پرونده روسکو و کریپتوپیا مطرح شد که مربوط به ورشکستگی یک صرافی دارایی‌های دیجیتال واقع در نیوزلند بود. در این پرونده، طلبکاران عادی صرافی معتقد بودند که به رسمیت شناختن دارایی‌های دیجیتال توسط دادگاه‌ها به عنوان مال، با سیاست‌های عمومی مغایرت دارد. لیکن این استدلال توسط قاضی گندال جی. رد شد (Babie et. al, 2020: 4-7). مسأله بحث برانگیزتر چگونگی گنجاندن دارایی‌های دیجیتال به عنوان مال در طبقه‌بندی حقوق عرفی است. برخلاف طبقه‌بندی حقوق مدنی بین اموال منقول و غیرمنقول، حقوق عرفی، اموال را به واقعی و شخصی طبقه‌بندی می‌کند که مورد نخست عمدتاً اموال غیرمنقول (اراضی) را دربر می‌گیرد. شخصی بودن نیز به نوبه خود به دو دسته اختیار تصرف و اختیار مطالبه و اقامه دعوی طبقه‌بندی می‌شود و قانون ارتدوکس انگلیس، طبقه‌بندی‌های دیگر میان این دو طبقه‌بندی را رد می‌کند (Low and Hara, 2024: 148). با این وجود، محققان حقوق عرفی و دادگاه‌ها به طرز مشابهی، برای رسیدن به اجماع در مورد گنجاندن دارایی‌های دیجیتال در این دو دسته تلاش کرده‌اند.

واضح است که دارایی‌های دیجیتال قابلیت تصرف فیزیکی ندارند و بدین ترتیب موضوع حق تصرف نیستند؛ بنابراین سؤال این است که آیا می‌توان آنها را به عنوان حقی جهت مطالبه قانونی در نظر گرفت؟ برخی از مفسران (Michels and Millard, 2022: 15-16) معتقدند که نمی‌توان بر مبنای مالکیت دارایی‌های دیجیتال علیه کسی اقامه دعوی کرد. با این حال، گروهی دیگر به طبقه‌بندی آنها به عنوان اموال قابل مطالبه حقوقی رضایت دادند (Low, 2020: 347). صحت هر یک از این دیدگاه‌ها تا حد زیادی منوط به میزان اهمیت مطالبه حقوقی و نحوه مشارکت دارنده دارایی دیجیتال در اقامه دعوی بستگی دارد. دیدگاه نخست، یک حق مطالبه‌گری را برای به رسمیت شناختن یک حق به عنوان یک حق متنازع‌فیه ضروری می‌داند و دارنده حق را مجاز می‌کند تا اقامه‌کننده یک دعوی باشد. در دیدگاه دوم، هیچ یک از این الزامات برای طبقه‌بندی یک حق به عنوان یک حق قابل مطالبه منطقی نیست. چرا که اولاً اگر حق تصرف عملی فرد از طریق اقامه دعوی در دادگاه اعمال شود، هیچ سیستم حقوقی پایدار و با ثبات باقی نمی‌ماند. در واقع ماهیت مالکیت، حق تصرف محض در مال مورد نظر است. با این حال، تصرف ممکن است از طریق اقامه دعوی حقوقی نیز احیاء شود. از آنجا که هر آنچه قابل احیاء و استیفاء است در واقع یک شیء قابل مطالبه نامیده می‌شود (Ibid: 348)، در نتیجه تلویحاً مقصود آن است که اقامه دعوی آخرین راه حل در فرایند مطالبه یک حق است (Ibid: 349). در سیستم‌های حقوقی کامل، چنین اقدامی اکثراً هرگز به مرحله اجرا در نمی‌آید. ثانیاً، مشخص نیست که چرا چنین اقدامی به عنوان آخرین راه حل باید توسط دارنده حق به اجرا درآید. چرا یک دارنده حق اختراع نباید بتواند از حق دفاع از دعوای خود در دادگاه بهره برد؟ نوع سومی از اموال نیز موضوعی است که در حقوق عرفی مالکیت، هر زمان که یک مالکیت نوآورانه به رسمیت شناخته می‌شود، وارد عمل می‌شود. اهمیت روزافزون سهام شرکت‌ها و مالکیت معنوی، محققان حوزه مالکیت را به تفکر واداشت و درگیر مباحث طولانی در مورد ماهیت حق قابل مطالبه شدند. با این حال، دادگاه‌های تجدیدنظر انگلستان، به شکلی سنتی ترجیح دادند که این اشکال جدید از اموال ناملموس را به جای این که در زمره اموال ثالثیه در نظر بگیرند، در دسته اموال قابل مطالبه قرار دهند. این دیدگاه تا پیش از قانون ثبت اختراعات ۱۹۷۷، صادق بود، لیکن پس از تعریف مبهم قانونی از حق ثبت اختراع، تنها در زمره دارایی‌های شخصی بدون امکان مطالبه قرار دارد (Llewelyn and Aplin, 2019: 66).

کمیسیون حقوقی انگلستان و ولز، در نظریه مشورتی خود، معرفی یک مال سومی را نیز بر همین اساس پیشنهاد کرد که به موجب آن، دارایی‌های رمزنگاری شده مستقل از قانون به عنوان اشیاء داده‌ای وجود داشته باشند (THE LAW COMMISSION, 2022: Chaps. 4-5). مشکل کالاهای داده‌ای که توسط این کمیسیون تعریف شده این است که دارایی‌های رمزنگاری شده را همچون اشیاء دنیای واقعی می‌انگارد، لیکن این نظر مقبولیت عملی ندارد. موارد تحت مالکیت (اشیاء ملموس) به شیوه‌ای بسیار خاص توسط قانون حمایت می‌شوند. زیرا مالکیت به طور طبیعی امری رقابتی است. مالکیتی که شخص الف بر یک شیء اعمال می‌کند، مالکیت همان شیء توسط شخص ب را منتفی می‌کند. حالت‌های غیررقابتی مانند دیدگاه کالاهای داده‌ای به همین سرسختی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. اطلاعات یا داده‌ها غیررقابتی هستند و کمیسیون حقوقی فوق، اطلاعاتی را که در قالب ورودی به یک دفتر کل وارد می‌شوند تا کنترل گردند گیج‌کننده می‌داند. ورودی دفتر کل ممکن است رقابتی باشد اما کنترل بر ورودی این طور نیست. در مورد دارایی‌های رمزنگاری شده، کنترل از طریق کلیدهای خصوصی انجام می‌شود. کلیدهای خصوصی نیز صرفاً اطلاعاتی غیررقابتی هستند. اگر دارنده دارایی‌های رمزنگاری شده موفق شود این اطلاعات را مخفی نگه دارد، کنترل او ممکن است رقابتی تلقی شود، لیکن این یک وضعیت مشروط به مخفی نگه داشتن دارایی است و طبیعتاً رخ نمی‌دهد. اگر شخص دیگری اطلاعات مذکور را به دست آورد (چه با رضایت دارنده یا به نحو دیگر)، کنترل بر وضعیت دفتر کل، دیگر رقابتی نخواهد بود. با همه این اوصاف کنترل هر یک از این دو فرد از طریق کلیدهای خصوصی، نمی‌تواند مشخصه مالکیت یک شیء ملموس باشد. دارایی‌های دیجیتال ممکن است بدون مداخله قانون ارزشمند باشند، لیکن گویای وضعیت آنها به عنوان یک دارایی یا شیء نیست. اشیاء ممکن است ارزشمند باشند یا نباشند. هرچیزی دارایی است و فقدان ارزش آن تأثیری بر وضعیت آن به عنوان دارایی ندارد. شرکت‌کنندگان در بازار دارایی‌های دیجیتال ممکن است آنها را شیء بیانگارند، لیکن همچون مالکیت‌های معنوی، جنبه ذهنی و اعتباری دارد. این معاملات ممکن است طبق حقوق قانونی ایجادکننده رقابت قانونی تضمین شوند و ممکن است مانند حق تصویر یک شخص در حقوق انگلیس تضمین نشوند. در این صورت دیگر مال نیستند.

سؤال مهمتری که قابل بحث است این است که چه حقوقی از طبقه‌بندی دارایی‌های دیجیتال به عنوان مال حاصل می‌شود؟ پیش از آنکه یک حق یا منفعت در دسته اموال قرار گیرد، یا حقی که بر اموال تأثیر می‌گذارد به رسمیت

شناخته شود، باید قابل تعریف، قابل شناسایی توسط اشخاص ثالث، ماهیتاً برای تصاحب توسط اشخاص ثالث قابل قبول باشد و درجه‌ای پایداری و ثبات داشته باشد (Castle and Yang, 2024: 2). دادگاه‌ها به جهت فقدان تعریف کامل‌تر، از این تعریف استقبال می‌کنند. مالکیت همچون بخش عمده‌ای از حقوق، مستلزم نهادینه شدن عرف‌هاست. یک سنت غنی در حقوق عرفی وجود دارد که در آن، بحث مالکیت، مبنایی برای انتخاب مالکیت در سیستم‌های حقوقی عرفی شده است. به رسمیت شناختن مالکیت به عنوان یک ساختار اجتماعی، لاجرم ملاحظات مربوط به عدالت توزیعی را نیز ضروری می‌سازد (Rotherham, 2001: 148). این وصف باید به عنوان اولویت اموال ناملموس، صرفنظر از نحوه توصیف این اموال، در نظر گرفته شود. بدون تعیین این که چه حقوقی به دنبال مالکیت دارایی‌های دیجیتال حاصل می‌شود، نمی‌توان مشخص کرد که آیا ارزش آن را دارد که اموال رمزنگاری‌شده را در زمره دارایی‌های دیجیتال گنجانده یا هزینه‌های سیاسی تحمیلی آن موجب صرفنظر کردن از آن می‌شود. با این حال، اکثر طرفداران موجودیت عرفی دارایی‌های دیجیتال به عنوان مال، در مورد حقوق دارندگان این دارایی‌ها سکوت کرده‌اند. اگر این حقوق را تنها محدود به حق داشته رسته داده‌های منحصر به فرد در یک دفتر کل توزیع شده خاص یا حق قفل شدن خروجی تراکنش استفاده نشده آنها در آدرس عمومی‌شان با یک دفتر کل خاص در نظر بگیریم، مانع از آن می‌شود که مال‌انگاری دارایی‌های دیجیتال، آزادی‌های قابل تصور برای اشخاص ثالث را مختل کند. بدین ترتیب به رسمیت شناختن دارایی‌های دیجیتال به عنوان مال با شناسایی حقوق مترتب بر آن، تسهیل می‌شود.

باید توجه داشت که در رویه قضایی عرفی، منظور از مال، بیشتر دارایی است تا شیء. قانون شرکتها در کشور نیوزلند نیز در ماده ۱۲۹(۲) بیان می‌کند که «اموال شامل هر نوع دارایی ملموس یا غیرملموس می‌شود».

۴,۲. پذیرش مالکیت دارایی دیجیتال در نظام حقوق موضوعه

در نظام‌های حقوقی موضوعه و مدون، مفاهیمی چون اموال و مالکیت، مفاهیمی اساسی و نشانگر نظام مند بودن حقوق مدنی مربوط به خود هستند. تلقی مادی بودن اشیاء به ویژه به عنوان یک شیء قابل تملک، اهمیت ویژه‌ای در ساختار قوانین مدنی دارد. دوگانگی دو سیستم فرانسوی و آلمانی، تا حدی از این مسأله ناشی می‌شود که آیا یک شیء، تحت قانون مدنی، شامل چیزهای غیرمادی نیز می‌شود یا خیر. سیستم فرانسوی، اشیاء غیرمادی را به رسمیت می‌شناسد، در حالی که سیستم پاندرکتیک آلمانی چنین نیست. این تمایز مفهومی، گاه در معانی نیز بوجود

می‌آید و در فرانسه احتمال دارد که بین عبارات مختلفی چون شیء، چیز، مال، کالا و امثال آن نوسان یابد (Gretton, 2007: 846).

از منظر آلمانی، قانون مدنی، بر اساس ماهیت حقوق به حقوق واقعی و حقوق شخصی تقسیم می‌شود که متشکل از قوانین کلی، شخصی، واقعی، حقوق خانواده و ارث هستند. موضوع حقوق شخصی و واقعی، وجه تفکیک این دوست. البته استثنائاتی همچون حقوق تعهدات نیز برای این قانون وجود دارد. موضوع یک حق واقعی، با توجه به وجهه قابلیت تملک آنها، ناگزیر به اشیاء مادی محدود می‌شود (ماده ۹۰ قانون مدنی آلمان) که در آن حق (مالکیت) و عین (شیء) متمایز و قابل تفکیک هستند. از آنجا که مالکیت یک حق واقعی است که به مالک اجازه کنترل مطلق بر یک شیء را می‌دهد، چنین حقی باید برای اشخاص ثالث نیز متمایز و آشکار باشد. علاوه بر این، در صورتی که یک شیء صرفاً به یک شیء مادی محدود شود، این سیستم دچار عدم انسجام می‌گردد؛ بنابراین می‌بایست یک حق واقعی در برابر یک دارایی غیرمادی، از جمله حقوق شخصی، نیز پذیرفته شود تا این دوگانگی آشکار از بین برود. اساساً در این نظام، حداقل در مواردی که دو حق در دست دو فرد متفاوت باشد، وجود چند حق محل مناقشه نیست. ایده‌ای که در حقوق عرفی نیز اهمیت دارد. اما تصور این که شخص الف در ادعای طلب از شخص ب، حق مالکیت داشته باشد، امری بیهوده و بعضاً گیج کننده است. از سوی دیگر، سیستم فرانسوی، مفهوم مال^{۱۰} را به عنوان سنگ بنای تدوین قانون در نظر گرفته است. مال چیز ارزشمندی است و به طور دقیقتر، یک ارزش مبادله‌ای است که می‌تواند شامل اشیاء مادی و غیرمادی شود. این قانون به اشخاص، اموال و اعمال تقسیم شده است. برخلاف نظام حقوق مدنی آلمان، تمایز قاطعی بین حقوق واقعی و شخصی وجود ندارد که بتواند بخش‌های قانون مدنی را از هم تفکیک کند. بنابراین، یک شیء موضوع مالکیت شامل شیء مادی و غیرمادی می‌گردد. البته جایگزینی اصطلاح دارایی به جای شیء دقیق‌تر است، زیرا اصل سازمان‌دهنده قانون مدنی فرانسه مال و نه شیء است.

با توجه به پیشینه فوق، سیستم فرانسوی پذیرای دارایی‌های دیجیتال به عنوان موضوعی برای مالکیت شده است. شورای دولتی، بیت‌کوین را دارایی منقول غیرمادی^{۱۱} می‌شناسد و دادگاه تجاری نانتر نیز با تأیید مالکیت بیت‌کوین، تصریح کرد که با اعمال قوانین مالکیت، دارنده بیت‌کوین نسبت به عواید آن (از انشعابات بیت‌کوین) محق است

¹⁰ - bien

¹¹ - incorporeal movable property

(Zainutdinova, 2023: 112). در این پرونده، یک شرکت انگلیسی، بیت‌کوین‌ها را از یک صرافی رمزنگاری فرانسوی استقراض کرده بود که طی آن، بیت‌کوین‌کش^{۱۲} که از انشعابات بیت‌کوین است از طریق یک هارد در بلاکچین بیت‌کوین ایجاد شده بود. یکی از ادعاهایی که مورد بررسی دادگاه قرار گرفت این بود که صرافی رمزارز از شرکت انگلیسی درخواست استرداد بیت‌کوین‌کش ایجاد شده را داشت. این اختلاف حول محور توصیف قرارداد «استقراض» بیت‌کوین‌ها ایجاد شده بود. طبق استدلال این صرافی، از آنجا که بیت‌کوین‌ها دارایی‌های غیرقابل تعویض هستند، قرارداد مورد بحث یک وثیقه است که در آن مالکیت بیت‌کوین‌ها در دست صرافی باقی می‌ماند و وام‌گیرنده تنها از حقوق ناشی از آن استفاده می‌کند. به طوری که صرافی خود را مستحق دریافت عواید ناشی از مال مورد استقراض می‌دانست. شرکت انگلیسی با استدلال عکس، اظهار داشت که به دلیل ماهیت مصرفی و قابل تعویض بیت‌کوین، این قرارداد یک عقد استقراض یا وام بوده و به موجب ماده ۱۸۹۳ قانون مدنی فرانسه وام‌گیرندگان مالک کالای (شیء) وام گرفته شده می‌شوند (همانند عقد قرض در حقوق ایران). از این دیدگاه عواید حاصل از مال مورد قرض، متعلق به وام‌گیرنده انگلیسی است و تنها موظف به بازگرداندن مال استقراضی به همان مقدار و کیفیتی است که به او قرض داده شده است (ماده ۱۹۰۲ قانون مدنی فرانسه). در واقع دارایی دیجیتال را یک مال مثلی دانسته‌اند. دادگاه تجاری علیرغم محق دانستن قرض‌گیرنده انگلیسی، مشخص نمی‌کند که آیا بیت‌کوین‌ها مال، شیء یا هر مفهوم دیگری از مالکیت هستند. در حالی که مواد قانونی مورد استناد به شیء اشاره می‌کند.

دیدگاه فرانسوی، کاملاً در تضاد با سیستم آلمانی است. با در نظر گرفتن دارایی‌های دیجیتال به عنوان یک شیء قابل تملک، طرح تئوریک و نظری قانون مدنی را تضعیف می‌کند. طبق سیستم آلمانی، تلقی یک دارایی دیجیتال به عنوان یک شیء قابل تملک، به این بستگی دارد که فرد چقدر به این روش قانونگذاری پایبند باشد. این مسأله دو جنبه دارد: نخست، آیا گنجانیدن اشیاء غیرمادی به عنوان اشیاء قابل تملک در سیستم آلمانی مجاز است؟ دوم، آیا برای اعمال قوانین مربوط به حقوق واقعی، به تلقی اشیاء غیرمادی به عنوان اموال قابل تملک نیازی هست؟ کشور ژاپن نمونه مناسبی از این چالش است. قانون مدنی ژاپن از سیستم آلمانی متابعت و بر اساس آن تنظیم شده است. ماده ۸۵ قانون مدنی ژاپن بیان می‌دارد که «اصطلاح اشیاء به کار رفته رد این قانون، به معنای یک شیء

¹² - bitcoin cash

مادی است». بنابراین، یک شیء قابل تملک کاملاً محدود به اموری است که در مقایسه با حقوق ناملموس، در دنیای واقعی فضایی را اشغال می‌کنند (مانند مایع، جامد و گاز). این که آیا بیت‌کوین‌ها می‌توانند طبق قانون مدنی ژاپن موضوع مالکیت باشند یا خیر، موضوع حکم دادگاه منطقه‌ای توکیو در ۵ آگوست ۲۰۱۵ بود که به همین جهت شهرت یافته است (Tokyo District Court, 2015). این حکم توجه جهانی را به خود جلب کرد. زیرا نخستین تصمیم قضایی بود که ماهیت بیت‌کوین را تعیین می‌کرد. یک مشتری علیه یک صرافی ورشکسته به نام ام‌ای گاکس، که در آن زمان از بزرگترین صرافی‌های ارزهای دیجیتال در جهان بود طرح دعوا کرده و متولی ورشکستگی در رابطه با بیت‌کوین‌هایی که ادعا می‌کرد این صرافی برای او نگه می‌داشته، شکایت کرده بود. استدلال اصلی وی این بود که مالک بیت‌کوین است. بدین معنا که بیت‌کوین از دارایی صرافی جدا شده و باید طبق حق تفکیک و طبق ماده ۶۲ قانون ورشکستگی به او منتقل شود. با این حال، حکم دادگاه بر این شد که طبق قانون مدنی ژاپن، با استناد به ماده ۸۵، فقط اشیاء مادی می‌توانند موضوع مالکیت باشند و بنابراین بیت‌کوین نمی‌تواند موضوع مالکیت باشد و در نتیجه تمامی ادعاهای مدعیان رد شد. اگرچه دادگاه دو معیار مدعی برای یک شیء مادی از جمله مادیت و کنترل انحصاری را پذیرفت، اما حکم آن ناقل این پذیرش نبود. هیچ موجودیت مادی برای سابقه الکترونیکی بلاکچین متصور نشد. همچنین به دلیل دخالت ناگزیر ماینرهای شخص ثالث در فرایند نگهداری سوابق، دارنده بیت‌کوین از کنترل انحصاری بر آنها نیز برخوردار نبود، بلکه صرفاً دسترسی انحصاری به کلید خصوصی داشت که کافی دانسته نشد.

برخی از حقوق‌دانان، دیدگاه سنتی را که مالکیت را مقید به اشیاء مادی می‌کنند، بیش از حد محدودکننده می‌دانند و دیدگاه‌های مدرن خواستار گنجانیدن اشیاء غیرمادی به عنوان شیء در قانون مدنی شدند. طبق این دیدگاه، حق بر دارایی‌های رمزنگاری‌شده را می‌توان از مصادیق حق مالکیت توصیف کرد (Low and Hara, 2024: 153). در نتیجه، در صورت کلاهبرداری، ادعای مالی به استناد حق مالکیت، علیه ناقض این حق وجود دارد. از سوی دیگر می‌توان حقوق مربوط به دارایی‌های دیجیتال را به عنوان «حقوق شخصی» توصیف کرد. یک نام کلی که شامل حقوق واقعی، شخصی، معنوی و سهام می‌گردد. این حق یک حق انحصاری برای واگذاری کار خود، استفاده از آن یا تجویز استفاده از آن توسط اشخاص ثالث به طور کامل یا جزئی است. حقوق شخصی قابل انتقال هستند و منحصرأ به دارنده حق نسبت داده می‌شوند و منجر به اقدامات حفاظتی در برابر نقض‌های آن طبق قانون

مدنی می‌گردد. حقوق شخصی از نظر قانونی قابل انتقال هستند، زیرا به صراحت به عنوان یک موضوع قرارداد فروش پیش‌بینی شده‌اند (ماده ۵۵۵ قانون مدنی ژاپن). همچنین امکان جبران آن در برابر نقض حق مورد حمایت قرار گرفته است، زیرا مواد مربوط به مالکیت مانند انحاء تصرفات یا تغییرات لازم در مورد حقوق شخصی اعمال می‌شود (ماده ۲۰۵ قانون مدنی ژاپن). در عین حال می‌تواند موضوع وثیقه‌گذاری قرار گیرد. بر اساس این دیدگاه حقوق مربوط به دارایی‌های دیجیتال، نوع جدیدی از حقوق شخصی خواهند بود (Low and Hara, 2024: 153).

این نتیجه‌گیری که دارایی‌های دیجیتال نمی‌توانند موضوع مالکیت باشند، ضرورت بررسی حقوق ناشی از آن را به دنبال دارد. در سال ۲۰۱۸، دادگاه توکیو حکم دیگری صادر کرد (Ibid.) که به موجب آن، حق دارنده بیت‌کوین به عنوان یک ادعا، یک حق شخصی توصیف شد که یک ادعای پولی نیست، بلکه ادعایی برای مطالبه وجهی مشابه ادعای پولی است. این ادعا به «ادعای سکه» موسوم شده است، بدون اینکه مشخص شود که ادعا علیه چه کسی است. طبق استدلال دادگاه، از آنجا که بیت‌کوین‌ها می‌توانند به عنوان وسیله پرداخت مورد استفاده قرار گیرند، باید با آنها به عنوان پول مشابه و نه کاملاً یکسان با وجه رایج برخورد شود. دادگاه نتیجه می‌گیرد که حق مشتری در برابر صرافی، مشابه حق وی در برابر بیت‌کوین است و بنابراین یک «ادعای سکه» محسوب می‌شود. نتیجه این توصیف، برابری مالکیت پول فیزیکی و ادعای سکه است. در ژاپن، در مورد پول فیزیکی، صرف‌نظر از دلیل انتقال وجه، حتی در صورت کلاهبرداری، دارنده مالک پول فیزیکی است. شاکی تنها یک حق شخصی مانند جبران خسارت علیه کلاهبردار دارد. همانند سایر کشورهای واجد حقوق موضوعه، هیچ گونه اعتماد سازنده‌ای برای محافظت از بزه‌دیدگان این جرایم وجود ندارد.

طبق نظر دادگاه، حتی اگر بیت‌کوین‌ها از طریق هک از صرافی دزدیده شده باشند، هیچ ادعایی برای جبران آنها مسموع نیست و سابقه بلاکچین، علیه صرافی عمل می‌کند. چون در این سوابق، بیت‌کوین دیگر در حساب موجود نیست. بنابراین، دادگاه هرگونه حق قراردادی مشتری را در برابر صرافی برای بازیابی بیت‌کوین‌ها رد کرد.

همان دادگاه، در پرونده‌ای متفاوت، حق مالکیت سکه‌های جدید ایجاد شده توسط یک هارد فورک را صرفاً با تکیه بر قانون قراردادهای به رسمیت شناخت (Ibid.). طبق حکم دادگاه ناحیه توکیو، سکه تازه ایجاد شده (بیت‌کوین گلد) نه متعلق به مشتری و نه متعلق به صرافی است. چون هیچ توافق قراردادی بین مشتری و صرافی در مورد

حق مشتری بر سکه‌های تازه ایجاد شده وجود نداشته است. علاوه بر این، صرافی موصوف، در از ابتدای آغاز به کار، توانایی فنی و تأییدیه نظارتی از مراجع مربوطه را برای مبادله این سکه‌های جدید نداشت. این حکم در تضاد با حکم فرانسوی است که در آن برای حل مسأله به حقوق مالکیت مندرج در قانون مدنی فرانسه استناد شده بود. توصیف ژاپنی‌ها این است که تصور دارایی‌های رمزنگاری‌شده به عنوان اشیاء، مشکل است. با این حال، برخلاف تصمیم پرونده دوم، ضرورتی انکارناپذیر برای حمایت از مشتری در صورت ورشکستگی یک صرافی ارز دیجیتال وجود دارد که به عنوان وسیله رایج برای نگهداری دارایی‌های دیجیتال شمرده می‌شود. بنابراین شایسته می‌بود که نوعی ادعای مالکیت که در روند ورشکستگی نسبت به سایر طلبکاران اولویت ایجاد می‌کند، به رسمیت شناخته شود. بدون این که با منطق قانون مدنی در تعارض باشد. همین نظر به شکل یک متن قانونی پیشتر وجود داشته است: در صورت ورشکستگی یک صرافی، مشتریان حق دارند بر اساس وجود امتیاز قانونی، دریافت‌های مرجع در رابطه با دارایی‌های رمزنگاری‌شده تحت تصرف صرافی داشته باشند (ماده ۶۳-۱۹-۲(۱) قانون خدمات پرداخت مصوب ۲۰۰۹ ژاپن).

در مورد اتحادیه اروپا، به نظر نمی‌رسد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در حوزه شفاف‌سازی وضعیت مالکیت دارایی‌های دیجیتال وجود داشته باشد. در حوزه بین‌الملل، مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی^{۱۳} که یک سازمان بین‌المللی مستقر در رم است، از سال ۲۰۲۰، وظیفه ارائه رهنمودهای قانونی و توسعه اصول مربوط به ماهیت حقوقی، انتقال و استفاده از دارایی‌های دیجیتال را برعهده گرفته است. اصول این مؤسسه در سال ۲۰۲۳ تصویب و منتشر گردید (International Institute for the Unification of Private Law, 2023). متن مصوب می‌تواند راهگشا باشد. زیرا سعی دارد رویه واحدی در مورد حق کنترل دارایی توسط دارنده دارایی دیجیتال و حقوق انتقال‌گیرنده و سایر حقوق خصوصی مترتب بر دارایی دیجیتال ایجاد کند. در بند ۲ اصل ۲ این رهنمودها (Ibid: 15)، «دارایی دیجیتال» به معنای یک رکورد الکترونیکی است که قابلیت کنترل دارد». در شرح این ماده آمده است که رمزارزها نیز دارایی دیجیتال محسوب می‌شوند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ملاحظات فوق نشان دهنده نیاز مبرم بر ایجاد یک چارچوب قانونی برای مالکیت دارایی‌های دیجیتال از جمله توکن‌ها و سایر داده‌های دیجیتال دارد. این بدان معنا نیست که اکنون همه داده‌ها خاصیت قابل انحصار داشته باشند. همانطور که در مورد اشیاء مادی چنین نیست (مانند هوا و دریاها و آزاد). تعیین این که آیا داده‌های خاص را می‌توان به عنوان اموال قابل معامله در نظر گرفت باید به صورت موردی بررسی شود. در این راستا، کمیسیون حقوق اروپا رویکرد خاصی را برای معرفی داده‌ها به عنوان دسته سومی از اشیاء قابل مالکیت پیشنهاد کرده است. اشیاء قابل تملک در صورتی به داده‌ها نسبت داده می‌شود که سه شرط را دارا باشند: نخست، در رسانه‌های الکترونیکی قابل نمایش باشند، دوم، وجود آنها مستقل از اشخاص و سیستم حقوقی باشد و سوم، رقابتی باشند (UK Law Commission, 2022: 77). با این حال، فایل‌های دیجیتال، سوابق دیجیتال، حساب‌های ایمیل، برخی اقلام درون بازی‌ها، نام دامنه، طرح‌های تجاری انتشار کربن، این معیارها را برآورده نمی‌کنند. بنابراین در زمره اموال شناخته نمی‌شوند. لیکن دو دسته توکن‌ها و رمزارزها، حداقل در چارچوب حقوقی عرفی، مالیت دارند. با این حال، طبق استدلال‌های پیش گفته و امکان ارزشگذاری و معامله داده دیجیتال، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکثر کالاهای دیجیتال به عنوان اموال تجاری موجودی دارند. زیرا از نظر اقتصادی، کلیه داده‌های دیجیتال، کالاهای خاصی هستند که از ورود به پایگاه داده خاص حاصل می‌شوند. تفاوت این دو دسته از دارایی‌های دیجیتال این است که سوابق آنها معمولاً متمرکز است. در حالی که دارایی‌های دیجیتال (توکن‌ها و رمزارزها) حالت توزیع شده دارند. بنابراین دارایی‌های دیجیتال رمزنگاری شده، نشان‌دهنده ارزش خاصی هستند که ناشی از نگهداری پایگاه داده آنها توسط تعداد زیادی از افراد است. با این حال، هر دو نوع داده، در صورتی قابلیت معامله می‌یابند که یک اجماع اجتماعی خاص برای ارزش گذاری سوابق آنها بوجود آید. در صورت کپی‌برداری از این داده‌ها نیز امکان استفاده مجدد آنها وجود دارد. بنابراین، داده‌های کپی شده نیز به علت قابلیت استفاده همانند نسخه اصلی، مال محسوب می‌شوند. چون راه طبیعی استفاده از یک اثر کپی کردن آن است. اگر نتوان این را پذیرفت سیستم‌های حقوقی به کلی مختل می‌شوند. موضع کمیسیون حقوقی انگلستان در سال ۲۰۲۴ کنار گذاشته شد و با ایجاد یک ماده قانونی جدید مناقشات را پایان داد. به موجب این ماده، یک شیء (از جمله شیء با ماهیت دیجیتال یا الکترونیکی) می‌تواند موضوع حقوق مالکیت شخصی قرار گیرد، حتی اگر تحت تصرف و یا قابل مطالبه نباشد (UK Law Commission, 2024: 33). نمی‌توان معیار محافظت و حمایت را توانایی

یک شخص در از بین بردن کالای دیگری دانست. بلکه همچون اشیاء مادی، هیچ نیرویی مانع از آسیب رساندن دیگران به اموال نمی‌شود. به همین دلیل است که قانون، تعهدی برای جبران خسارات پیش‌بینی می‌کند. قانون تنها یک ساختار انتزاعی خاص است که برای انعکاس روابط اجتماعی در نظر گرفته شده است. این قوانین در جامعه نقش ثانویه ایفا می‌کنند. وظیفه آنها حفاظت از ارزش‌های شناخته‌شده جهانی است. از آنجا که جامعه انتظار حفاظت از دارایی‌های دیجیتال را دارد، رویکردی که حفاظت از آنها را محدود کند، ناموجه است.

مشکلات فوق‌سال‌هاست که به خصوص در مورد کالاهای مجازی، گریبانگیر جامعه حقوقی و اقتصادی است. با این حال بجز تعداد اندکی از اندیشمندان حقوقی، هیچ‌کس نیازی به تغییر نمی‌بیند. نیازی نیست ابتدا به علت فراگیری یک شیء میان مردم و در نتیجه هرج و مرج ناشی از بی‌قانونی تنظیم بازارهای آن، حقوق اکثریت جامعه تضییع گردد و ناگاه، مقنن به فکر راه چاره بیافتد. پیشگیری بهتر از درمان است! این موضوع امروزه به دلیل مقیاس توزیع دیجیتال، ارزش بالای دارایی‌های دیجیتال و چشم‌انداز نسخه جدیدی از اینترنت مبتنی بر مفهوم متاورس، اهمیت ویژه‌ای یافته است. هرچه سطح توسعه حقوقی بالاتر باشد، فرد می‌تواند بر کالاهای بیشتری تسلط یابد.

منابع:

الف - منابع فارسی

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- چیت سازیان، مرتضی؛ خورسندی، زهرا (۱۴۰۰)، ماهیت و مالیت ارزشهای دیجیتال از منظر فقه مقارن، دوفصلنامه علمی فقه مقارن، شماره ۱۷.
- خادمان، محمود؛ کوشا، ابوطالب؛ نوری، فاطمه (پاییز ۱۴۰۰)، شناسایی ماهیت حقوقی رمزارزها با تحلیل ساختاری آنها در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۵.
- غفاریان، مهدی؛ پاشازاده، حسن؛ رهبرفرش پیرا، ناصر؛ مسعودی، ناصر (تابستان ۱۴۰۱)، واکاوی مفهوم حق مالکیت و تحول خصایص آن در فقه و حقوق، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲.
- فروغی، سیدعلیرضا؛ حسینزاده سرشکی، اسماء (تابستان ۱۳۹۸)، بررسی فقهی و حقوقی مالیت و مالکیت داده های دیجیتال در فضای سایبری، دوفصلنامه فقه و حقوق خصوصی، شماره ۳.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی - اموال و مالکیت، تهران: میزان.
- کیوانلو شهرستانی، زهرا؛ ذوالفقاری، سعید (۱۳۹۷)، بیت کوین (ارز دیجیتال) و اقتصاد، چهارمین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در برق و کامپیوتر و صنایع.
- مجاهد، میترا؛ رجب زاده، علیرضا؛ الهی، محمد (۱۴۰۳)، بررسی مشروعیت اموال مجازی با تأکید بر ارز دیجیتال (کریپتوکارنسی)، نشری علمی مطالعات نوین علوم انسانی در جهان، شماره ۲.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۸)، تحلیل ارزشهای مجازی در پرتو فقه، حقوق و مطالعات تطبیقی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳.
- میرزاخانی، رضا (۱۳۹۶)، بیت کوین و ماهیت مالی و فقهی پول مجازی، گروه بازارها و ابزارهای مالی مرکز پژوهش، توسعه مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار.

ب - منابع انگلیسی

- Allen, Franklin; Gu, Xian; Jagtiani, Julapa (2022), Fintech, Cryptocurrencies, and CBDC: Financial Structural Transformation in China,, Federal Reserve Bank, Working paper WP 22-11.
- Babie, Paul; Brown, David; Catterwell, Ryan; Giancaspro, Mark (2020), Cryptocurrencies as Property: Ruscoe and Moore v Cryptopia Limited (In Liquidation) [2020] NZHC 728, U. of Adelaide Law Research Paper, No. 2020.

- Banta, Natalie M. (2017), PROPERTY INTERESTS IN DIGITAL ASSETS: THE RISE OF DIGITAL FEUDALISM, *CARD OZOLA REVIEW*, Vol. 38.
- BLACK, HENRY CAMPBELL (1968), BLACK'S LAW DICTIONARY, REVISED FOURTH EDITION, Eagan: WEST PUBLISHING COMPANY.
- Castle, Jack; Yang, Weishi (2024), Tracing Things: Crypto As Property – D'Aloia v Persons Unknown Category A & Ors [2024] EWHC 2342 (Ch), Henderson Chambers.
- Conner, John (2011), DIGITAL LIFE AFTER DEATH: THE ISSUE OF PLANNING FOR A PERSON'S DIGITAL ASSETS AFTER DEATH, *ESTATE PLANNING AND COMMUNITY PROPERTY LAW JOURNAL*, Vol. 3.
- Garcia-Teruel, Rosa M.; Simón-Moreno, Héctor (2021), The digital tokenization of property rights. A comparative perspective, *computer law & security review*, Vol. 41.
- Garrido, José M. (2023), Digital Tokens: A Legal Perspective, IMF Working Paper, WP/23/151.
- Gretton, George L. (2007), Ownership and its Objects, *The Rabel Journal of Comparative and International Private Law*, Vol. 71, No. 4.
- Helen Akpan; Augustus Enyeribe; Michael Awe (2022), DIGITAL ASSET AND PII PROTECTION USING BLOCKCHAIN TECHNOLOGY, DOI:10.13140/RG.2.2.33569.48486.
- HM Revenue & Customs (2025), Cryptoassets Manual, CRYPTO10100 - Introduction to cryptoassets: what are cryptoassets, <https://www.gov.uk/hmrc-internal-manuals/cryptoassets-manual/crypto10100>.
- Hue, Wang (2022), Overview of Cryptocurrencies, *Journal of Global Economics*, Vol. 10, No. 2.
- Hui, Wang (2022), Overview of Cryptocurrencies, *Journal of Global Economics*, Vol. 10, No. 2.
- International Institute for the Unification of Private Law (2023), UNIDROIT PRINCIPLES ON DIGITAL ASSETS AND PRIVATE LAW, Rome: UNIDROIT.
- Lee, Luke (୨୦୨୧), Examining the Legal Status of Digital Assets as Property: A Comparative Analysis of Jurisdictional Approaches, DOI:10.48550/arXiv.2406.15391, accessed on 2025/5/6.
- Low, Kelvin F.K. (2020), Bitcoins as Property: Welcome Clarity?, *Law Quarterly Review*, Vol. 136, No 3.
- Low, Kelvin F.K.; Hara, Megumi (2024), Cryptoassets and Property, In: Edward Elgar Research Handbook on EU Property Law, Ed. By Sjef van Erp & Katja Zimmermann, UK: Edward Elgar Publishing Limited.
- Michels, Johan David; Millard, Christopher (2022), The New Things: Property Rights in Digital Files?,

- Nakamoto, Satoshi (2008), Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3440802>, accessed on 2025/5/6.
- Okatan, Kagan (2022), AN OVERVIEW ON KEY DIGITAL ASSETS OF DECENTRALIZED FINANCE: CRYPTOCURRENCY AND NFT, PressAcademia Procedia (PAP), Vol. 16.
- Rahmatian, Andreas (2010), A Comparison of German Moveable Property Law and English Personal Property Law, Journal of Comparative Law, Vol. 3, No. 1.
- Rahmatian, Andreas (2020), Debts, Money, Intellectual Property, Data and the Concept of Dematerialised Property, Journal of Intellectual Property, Information Technology and Electronic Commerce Law, Vol. 11, No. 2.
- Rotherham, Craig (2001), Property and Justice In: Rights, Wrongs and Responsibilities, Ed. By Matthew H. Kramer, New York: PALGRAVE.
- Savelyev, Alexander (2016), CONTRACT LAW 2.0: «SMART» CONTRACTS AS THE BEGINNING OF THE END OF CLASSIC CONTRACT LAW, BASIC RESEARCH PROGRAM, National Research University, WORKING PAPER SERIES, LAW, WP BRP 71/LAW/2016.
- Szostek, Dariusz (2019), Blockchain and the Law, Germany: Nomos Verlagsgesellschaft.
- UK Jurisdiction Taskforce (2019), Legal statement on cryptoassets and smart contracts, The LawTech Delivery Panel.
- UK Law Commission (2022), Digital assets Consultation paper, Law Com No 256, UK: Crown.
- UK Law Commission (2024), Digital assets as personal property: Supplemental report and draft Bill, Law Com No 416, UK: Crown.
- Zainutdinova, Elizaveta V. (2023), Models of Legal Regulation of Digital Rights and Digital Currency Turnover, Legal Issues in the Digital Age, Vol. 4, No. 1.